

انگلیس در ایران

اشاره

بی‌تردید تأثیر و دخالت بر تحولات تاریخ معاصر ایران امری انکارناپذیر است. در ایران نیز هیچ‌گاه کاملاً ادعا نشده که تمامی رویدادهای سیاسی توسط دست‌های پنهان خارجی صورت می‌گیرد، اما در عمل می‌توان شواهدی فراوان ارائه کرد که براساس آن بسیاری از پدیده‌های سیاسی و حتی اجتماعی داخلی و خارجی، با دلایل و عوامل خارجی تبیین می‌شوند. درباره‌ی میزان دخالت بیگانگان هم می‌توان اختلاف‌های وسیعی را در این‌گونه تبیین‌ها مشاهده کرد. اصولاً دو رویکرد متفاوت در این زمینه وجود دارد؛ رویکرد افرادی که همگی مسائل را زیر نظر عوامل خارجی می‌دانند، رویکرد متعادل و منطقی که در آن رویدادهای مهم و برجسته‌ی ایران را براساس دخالت مؤثر و تعیین‌کننده عوامل داخلی تحلیل می‌کند و در سطوح پایین‌تری برای عوامل خارجی استقلال و تأثیر قائل است. اما بحث مسأله یا تئوری توطئه در دوسده‌ی اخیر تاریخ ایران در فرهنگ سیاسی و اجتماعی بیش از هر زمان دیگری مطرح شده است هم‌چنین برخی از دانشمندان اجتماعی تلاش کرده‌اند تا تعاریفی از این مسأله ارائه دهند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

براساس یک تعریف «در نگرش توطئه فرض بر این است که دست‌های آشکار و بیشتر پنهان رقم‌زننده‌ی مقدرات فرد، جامعه و یا یک ملت هستند این دیدگاه با دست‌گذاردن روی تمهیدات پیشین و مواردی که از طریق سرچشمه‌های توطئه قابل ردیابی هستند و نیز بزرگ کردن آن‌ها، دیدگاهی افراطی و اغراق‌آمیز از وقایع را به تصویر می‌کشد.»^۲ در تبیینی دیگر آمده است که براساس دیدگاه توطئه (تئوری توطئه) تصور چنین است که ایران صحنه‌ای است که بازیگران آن از سوی قدرت‌های خارجی کنترل می‌شوند و نقشی که برعهده گرفته‌اند یا کلماتی که بر زبان می‌رانند نیز از خارج تعیین شده است. این قدرت‌های خارجی گویا کاملاً مسلط و واقف به همه‌ی جریانات هستند و همه‌ی حرکت‌های روی صحنه به فرمان آنان صورت می‌گیرد^۳ در تعریفی دیگر این تئوری، نداشتن اعتقاد یا باور نکردن شکل ظاهری رویدادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عنوان شده است،^۴ براساس این دیدگاه تحولات و وقایع سیاسی شکل ظاهری‌ای دارند که دیده می‌شود اما اسباب و علل یا ریشه‌های حقیقی و واقعی به‌وجود آمدن آن چیز دیگری است که یا آگاهی به آن ممکن نیست یا بعداً احتمال

• علی‌اکبر مسگر
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران



- سیر استعمار انگلیس در ایران
- تألیف ایرج رودگر کیادار
- تهران؛ سفیر اردهال، ۱۳۸۷، چاپ اول، ۲۴۷ صفحه



دارد و سرخ‌هایی به‌دست آید.

بی‌تردید توجه و پابندی به این دیدگاه این نتیجه را در پی خواهد داشت که تحولات سیاسی، شرایط داخلی، پیشینه و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نسبت به امر خارجی یا بیرونی اصالت کمتری دارند و کم‌تر واقعه‌ای به‌صورت طبیعی اتفاق می‌افتد. بلکه اتفاقات سیاسی همواره محصول اراده‌ی قدرت‌هایی است که مصالح و منافع خود را دنبال می‌کنند [کما اینکه همان‌طور هم که اشاره شد همواره به‌عنوان یکی از دلایل در تاریخ معاصر ایران وجود داشته است] بدین ترتیب به جای بررسی و تجزیه و تحلیل اینکه تحول یا رویداد خاصی تحت‌تأثیر کدام عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی پدیدآمده همواره در جستجوی عوامل نهایی خواند بود.

مقدمه

کتاب «سیر استعمار انگلیس در ایران» نگاشته‌ی ایرج رودگر کیاست که از یک مقدمه و دو بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل ۱۹ گفتار که عمدتاً به بحث در مورد پیشینه تاریخی نفوذ سیاسی انگلیس و استعمار در آن در آسیا و ایران می‌پردازد، سپس به واگذاری امتیازات امتیازات می‌پردازد امتیازاتی نظیر [امتیازات نفتی، گمرکی، توتون و تنباکو، راه‌های تجاری، تلگراف‌خانه‌ها، تأمین معادن و وام‌ها و قروض ایران] بعد شرکت‌های استعماری انگلیسی و نقشی را که در تخریب اقتصادی ایران داشتند، بررسی می‌کنند، در ادامه نیز یک مقایسه‌ی تطبیقی، تاریخی با مصر، اوضاع سیاسی و داخلی آن و نحوه‌ی ورود استعمار و علل شکست مصر در مقابل خارجیان توضیح می‌دهد که این مقایسه در رابطه با ایران در شرایط مشابه به‌صورت می‌پذیرد.

بخش دوم نیز شامل ۲ گفتار است که گفتار اول آن متن قرارداد ایران و انگلیس موسوم به قرارداد ۱۹۱۹ است و گفتار دوم آغاز مخالفت و رویارویی جامعه ایرانی با این قرارداد و نهایتاً ابطال آن است. مؤلف در مقدمه کتاب، سابقه‌ی نفوذ سیاسی انگلیس در آسیا را ابتدا با ورود استعمار به کشورها و سرزمین‌های اسلامی پیرامون خلیج فارس می‌داند و معتقد است سلطه به ایران در طی دو مرحله، که یک مرحله‌ی جمعاً طولانی ولی ناموفق و یک مرحله‌ی کوتاه ولی موفق صورت می‌پذیرد:^۵

«مرحله نخست با شروع سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار از سال ۱۲۱۲ ه. ق آغاز شد و تا پایان سال ۱۳۳۷ ه. ق (۱۱۷۵ م - ۱۲۹۸ ش) همزمان با سلطنت احمدشاه قاجار به شکل نفوذ مسالمت‌آمیز سیاسی و اقتصادی ادامه می‌یابد ولی در طول این مدت دوبار هجوم کمرشکن اقتصادی روبرو و رژی که در واقع جهت تحت‌الحمایه کردن ایران صورت گرفت با شکست روبرو گردید به دنبال دو شکست دولت انگلیس با ناکامی سیاسی بزرگ‌تری پس از انعقاد قرارداد معروف تحت‌الحمایگی سال ۱۹۱۹ م/۱۲۹۸ ش روبرو شد. که پیامد آن این بود که نقشه استعمار به دست ملت ایران نقش بر آب گردید. با شکست اخیر، زیربنای سیاست استعماری بریتانیا در ایران از حالت نفوذ مسالمت‌آمیز خارج و به سیاست تهاجمی گرایش پیدا کرد و از تاریخ مذکور تمام سعی و توان

استعمار در ایران صرف راه‌اندازی یک کودتا و روی کار آوردن یک دیکتاتوری نظامی گردید.»^۶

مؤلف در ابتدا موضوع مورد نظر خود را که مسیر تدریجی نفوذ استعمار انگلیس در ایران است، این‌گونه آغاز می‌کند: «مقارن سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، بخش کلانی از اقتصاد و تجارت جهان در دست یهودیان ساکن اروپا افتاد. از سال مذکور استعمار با تهاجم اقتصادی گسترده برون‌مرزی پا را از قاره اروپا بیرون گذارد و رسماً وارد معرکه جهانگیری آسیا، آفریقا و امریکا گردید. رویارویی نظامی دول استعماری بزرگ اروپا به‌ویژه انگلیس، فرانسه و روسیه در سبقت از یکدیگر برای تصرف ممالک آسیا و آفریقا با حمایت‌های مالی مؤسسات یهود به اوج خود رسید. پشت سر تمامی این تهاجمات، منافع اقتصادی مثنی سرمایه‌دار و خانواده‌های بانک‌دار یهودی مانند: **روچیلد^۷، و بعد هامسرز^۸، خرولینگ^۹، گوشن^{۱۰}، اوپنهایم^{۱۱}، بیشرفسیگم^{۱۲}، گلداسمیت^{۱۳}** و بعدها بانک شاهی ایران^{۱۴} متعلق به **جولیوس روتیر^{۱۵}** که شعبات آن در کشورهای انگلیس، ایران، عراق عثمانی و هند دایر بود.^{۱۶} از دهه اول قرن نوزدهم به بعد اکثر یهودیان ثروتمند اروپا مرکز سیاسی و اقتصادی خود را در انگلیس برقرار و یکی بعد از دیگری تبعیت این کشور را پذیرفتند. این گرایش از زمان نخست وزیری بنیامین دی‌زرائیلی در انگلیس رو به افزایش نهاد و یهودیان ثروتمند بساط معرکه جهان‌خواری خود را زیر پوشش قدرت نظامی انگلیس پنهان کردند.»^{۱۷}

نویسنده در ادامه سابقه‌ی نفوذ استعمار یادآور می‌شود که «صرف‌نظر از برخی تماس‌های اولیه که در سال (۶۹۰ ه. ق / ۶۶۹ ه. ش) بین دولت‌های ایران و انگلیس صورت گرفت، نخستین تماس جدی و رد و بدل شدن سفیر بین دو کشور در زمان سلسله صفویه به‌ویژه سلطنت شاه عباس اول صورت گرفت.»^{۱۸} ولی شروع استعمار در خلیج فارس با آمدن پرتغالی‌ها آغاز شد و اوج آن با ساکن شدن نمایندگان سیاسی و استقرار ناوگان دریایی انگلیس در خلیج پا گرفت و مدت یک قرن و نیم برسر‌نوشت مردم ساکن جزایر و کشورهای پیرامون خلیج فارس تأثیر فلاکت‌بار برجا گذارد.

در پایان قرن ۱۸ انگلستان جای پای خود را در کشور زرخیز هند محکم و مصمم به نفوذ سیاسی در خلیج فارس و کشورهای اطراف آن گردید. استدلال بی‌اساس دولت انگلستان در استعمار مردم جزایر و کشورهای حاشیه خلیج با رواج این تز سیاسی بی‌پایه و اساس که: خلیج فارس متعلق به حکومتی است که آن حکومت حاکم بر هند باشد، آغاز شد. و این درحالی است که نویسنده کتاب این تز استعماری انگلیس را بی‌شبهت به اصل دکترین جیمز مونرو نمی‌داند.^{۱۹} به‌طور کلی سیاست بریتانیا از اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار به‌ویژه از سال ۱۲۱۵ ه. ق به بعد به دو دوره فعالیت جاسوسی تقسیم می‌شود؛ نخستین دوره مصادف با ورود هیأت‌های نظامی انگلیس به دربار ایران به منظور عقد قراردادهای نظامی جهت جلوگیری از حمله‌ی احتمالی فرانسه به کشور هند است. لیکن آغاز دور دوم فعالیت جاسوسی دولت انگلیس از سال ۱۲۱۷ ه. ق به بعد و همزمان با دایرشدن مؤسسات تلگراف هند و اروپا در ایران می‌باشد. با دایرشدن این دسته مؤسسات فعالیت‌های

جاسوسی انگلیس به مراتب از عملیات نظامی آنان شدیدتر شد و دولت انگلیس آن‌چنان سوءاستفاده‌هایی از مستخدمین محلی تلگراف‌های خود کرد که حقیقتاً از یک عنصر انگلیسی میسر نبود.^{۲۰}

در واقع مهم‌ترین هدف بریتانیا، یکی تأسیس خط سراسری تلگراف همراه با خطوط منشعب آن و دیگر تأسیس ادارات و تشکیلات منظم پست جهت ایجاد ارتباط پستی در ایران و وصل هر شبکه به سیستم ادارات پست و تلگراف هند و اروپا در هندوستان بود که هر دو هدف سیاسی آن پس از پایان جنگ ایران و انگلیس (واقعه هرات) در سال (۱۲۷۳ ه. ق / ۱۸۵۶ م / ۱۲۳۵ ش) و متعاقب شورش مردم هندوستان در سال ۱۸۵۷ م به اجرا درآمد. زمینه احداث خطوط سراسری و تلگراف در ایران، پس از عقد قرارداد تأسیس خط تلگراف بین انگلستان و عثمانی در پی ایجاد ارتباط بین لندن و استانبول و امتداد آن تا بغداد پیش آمد. به دنبال این امر امتیاز دولت انگلستان امتیاز خط تلگراف تا فو را در منتهی‌الیه شمالی خلیج فارس، از سلطان عثمانی اخذ کرد و سپس امتیاز احداث خطوط تلگراف از خانقین تا بوشهر و ادامه آن را تا سرحد بلوچستان از دولت ایران کسب نمود. یک سال بعد خط تلگراف خانقین به تهران، از طریق کرمانشاه و همدان دایر شد و ادامه‌ی آن از طریق اصفهان به شیراز رسید. با تأسیس خطوط فوق‌الذکر ۵۰ نفر تلگرافچی و خدمه‌ی انگلیسی برای اداره تأسیسات تلگراف در ایران مشغول به کار شدند از جمله مأمورین کارآمد انگلیسی سرهنگ گلداسمیت معروف بود که ظاهراً به عنوان تلگرافچی به ایران آمد. سپس مأمور خدمت در بلوچستان شد و بعدها به عنوان حکم بین دولتمندان ایران و انگلستان بخش بزرگی از سرزمین سیستان و بلوچستان را از ایران جدا کرد و به کشور افغانستان منضم نمود^{۲۱} و تنها نتیجه‌ای که از حکمیت ابوموسی‌وار آن‌ها نصیب کشور ایران شد، جدا شدن بخش وسیعی از سرزمین‌های شرق کشور و کشاندن مرزهای جدید به داخل خاک ایران بود که به‌منظور دور نگاهداشتن مستعمره هندوستان از خطر احتمالی حمله به آن سرزمین صورت گرفت^{۲۲}. و اما درک این مطلب که در یکصد سال پیش، تعدادی تلگرافچی از قلب لندن مبادرت به ترک خانه و کاشانه خود کرده و در بیابان‌های خشک و بی‌آب و علف یزد و سیستان و بلوچستان سواحل دریای عمان و خلیج فارس سکونت کنند و سالیان سال به زندگی یکنواخت و عادی خود ادامه دهند، بسیار مشکل است و تنها می‌توان گفت از عهده کسانی بخواهد آمد که در یک تشکیلات سیستماتیک منظم مشغول به کار و به منظور نیل به اهداف خاصی که در درازمدت به منصفی ظهور خواهد رسید خدمت می‌کنند^{۲۳}. امتیاز خطوط تلگراف انگلستان در ایران که حکم بازوی قدرتمند استعماری آن دولت را داشت به شرح زیر خلاصه می‌شود:

الف) خط خانقین به تهران ب) خط جلفا به تهران ج) خط تهران به مشهد د) خط خواف به نصرت‌آباد ه) خط تهران به بوشهر و خط کاشان به بم و...^{۲۴} هم‌زمان با احداث شبکه تلگرافی بریتانیا در ایران، خطوط منظم کشتی‌رانی به‌ویژه خطوط پستی موسوم به هند انگلیس در سال ۱۸۶۲ و (۱۱۷۹ ه. ق) توسط سربرنارتل فرر حاکم بمبئی دایر

شد ولی نخستین پست‌خانه بریتانیا در سال (۱۲۸۱ ه. ق / ۱۸۶۴ و ۱۲۴۳ ش) زیر نظر مستقیم اداره کل پست‌خانه هند در محوطه‌ی نمایندگی مقیم واقع در بوشهر به شروع به کار کرد. متعاقباً در سال ۱۲۸۴ ه. ق ده پست‌خانه دیگر در بندرعباس و لنگه دایر شد که علاوه بر ادغام خدمات پستی بریتانیا، خدمت نیمه پستی را از بوشهر تا داخل ممالک ایران تأمین و به اخذ و توزیع مرسولات پستی مشغول بودند، باوجود این‌که این نامه‌ها در داخل خاک ایران توزیع می‌شد؛ ولی تابع علائم و مشخصات پست حکومت هندوستان بود^{۲۵}. بدین ترتیب تا پایان قرن ۱۹ کل تجارت و حمل و نقل آبی در دریای عمان و خلیج فارس را به‌واسطه در انحصار گرفتن کامل طرق آبی آن پس از افتتاح کانال سوئز و ارتباط دریایی با خلیج فارس به‌دست دولت بریتانیا و ابتاع آن افتاد.

نویسنده در ادامه به بررسی واگذاری امتیاز به **بارون جولوس رویتر** می‌پردازد. او یک یهودی و از حمایت کامل دولت بریتانیا برخوردار بود. این امتیاز که شامل استخراج معادن، بهره‌برداری از جنگل‌ها، تأسیس راه‌آهن سراسری، ایجاد کارخانه‌های مختلف و تأسیس بانک در ایران بود در ۲۴ ماده تنظیم و مدت زمان آن از تاریخ (۱۲۸۹ ق / ۱۸۷۲ م) به مدت ۷۵ سال بود. زمینه‌ی عقد این قرارداد با صدارت میرزا حسین خان قزوینی که سیاستی یک‌طرفه و انگلیس‌مآبانه داشت فراهم شده بود^{۲۶}. نویسنده همچنین می‌افزاید: امتیازی که رویتر از شاه و صدراعظم ایران کسب کرد تا آن تاریخ بی‌نظیر و به هیچ‌یک از دول بیگانه واگذار نگردیده بود. تحمیل این امتیاز برای انگلیسی‌ها در حکم اعجاز و برای حریف سیاسی آنان، روس‌ها مایه حیرت شد^{۲۷}. تا جایی که لرد کرزن عنصر برجسته استعمار انگلیس در کتاب خود ضمن شرح مسبوطی چنین می‌نویسد: «طرح رویتر عالی‌ترین مرحله‌ی دوره‌ای از احساسات جدی و صمیمانه آنگلو فیللی در تهران و آن شاهکار سیاسی میرزا حسین خان صدراعظم مقتدر بود که در آن موقع مشیر و مشار پادشاه به‌شمار می‌رفت و آن شامل برنامه‌ای بود که به قول رالینسن، عرض تجدد حیات ایران در ظل هم‌آهنگی و اشتراک منافع او با انگلستان بود»^{۲۸} بعد از قرارداد فوق، سیر و سفر شاه در ممالک فرنگ مدت شش ماه به طول انجامید و سرانجام شاه همراه با کاروان طوفان‌زده‌اش به ایران بازگشت^{۲۹}. به دنبال انتشار متن امتیاز و آگاهی مردم از مفاد آن، مخالفت مردم با شاه و صدراعظم به اوج خود رسید. مردم برای ابطال امتیاز، دست به دامن علماء و روحانیون زدند و جملگی زیر پرچم تشیع گردآمدند، پس از ورود شاه به ایران، از طرف **آیت‌الله حاج ملاعلی کنی** به وی تکلیف شد که مسبب واگذاری امتیاز را از صدارت خلع و اجازه ورود به تهران ندهد. ناصرالدین شاه نیز حسین خان سپهسالار را در ماه رجب سال ۱۲۹۰ ه. ق از صدارت عزل و خود تنها به تهران آمد. چند روزی از ورود شاه به تهران نگذشته بود که آیت‌الله کنی نامه‌ای مبنی بر مخالفت مردم با امتیاز رویتر نوشت. وضع غیرعادی در پایتخت را که در پی واگذاری امتیاز پیش آمده بود، به شاه گوشزد کرد. به دنبال بالاگرفتن اعتراضات مردم، شاه درصدد لغو امتیاز برآمد و آن را در تاریخ نوزدهم ماه رمضان ۱۲۹۰ لغو کرد و الغای آن را توسط



**نخستین تماس جدی و رد و بدل شدن سفیر
بین دو کشور ایران و انگلستان، در زمان
سلسله صفویه به‌ویژه سلطنت شاه عباس
اول صورت گرفت. ولی شروع استعمار در
خلیج فارس با آمدن پرتغالی‌ها آغاز شد**

انگلیس در ایران

گزارش‌های مفصلی راجع به پی‌جویی و شناسایی معادن در ایران توسط هوتم شیندلر تهیه و به مقامات مسئول تسلیم گردید.^{۳۳}
امتیاز انحصار تنباکو:

نویسنده در این گفتار امتیاز انحصار تنباکو را بررسی می‌کند، لازم به ذکر است مؤلف در ابتدای هر گفتار، تاریخچه‌ی آن را توضیح می‌دهد. به نوعی با ذکر پیشینه موضوع به بیان مطلب خود می‌پردازد. در این گفتار نیز سابقه ورود توتون و تنباکو در ایران و تحولات آن را توضیح می‌دهد. «تاریخ ورود توتون و تنباکو به ایران به قرن ۱۶ بازمی‌گردد که ابتدا از اروپا به خاورمیانه وارد شد و همزمان با پادشاهی شاه عباس اول کشت آن در ایران آغاز گردید و به تدریج در مناطق قابل کشت، رواج پیدا کرد. این امر ابتدا از جنوب کشور شروع و ۱۵ سال بعد به گیلان کشیده شد ولی از آغاز قرن ۱۹ کشت آن در بیشتر نقاط ایران رایج شد و در ردیف بهترین اقلام صادراتی ایران به کشورهای عثمانی، هند، روسیه و عراق درآمد به‌طوری که در سال ۱۲۶۷ ه. ق محصول آن به رقمی بالغ بر ۲۲۵۰ تن رسید که حدوداً نصف آن به خارج صادر می‌گردید و این نشان از اهمیت این کالا می‌دهد. انگلیسی‌ها از سال (۱۳۰۱ ه. ق / ۱۸۸۳ م / ۱۲۶۲ ش) پس از آنکه سلطان عثمانی امتیاز انحصاری تنباکو را در آن کشور، به رژی واگذار کرد، فعالیت پیگیری را جهت کسب امتیاز مشابه در ایران آغاز کردند و سرانجام بعد از یک وقفه‌ی چندین ساله، در شرایط مناسبی که ناشی از درماندگی شاه بود، زمین‌هی عقد قرارداد توسط وزیر مختار انگلستان در ایران سرهنری دراموندولف آماده شد. امتیاز انحصار تنباکو معروف به رژی که تحت عنوان (مؤسسه شاهنشاهی دخانیات در ایران) نامیده می‌شد در تاریخ ۲۸ رجب سال ۱۳۰۷ ه. ق مطابق مارس ۱۸۹۰ در پانزده فصل تنظیم و در قبال ۱۵ هزار لیره انگلیسی در سال به جرالد تالبوت انگلیسی و شرکاء واگذار گردید. از دیدگاه سیاسی این امتیاز بعد از امتیاز رویتر، یکی از مهم‌ترین امتیازاتی بود که دولت انگلیس در ایران کسب کرده بود.»^{۳۴}

نویسنده در ادامه بحث به متن امتیازنامه^{۳۵} می‌پردازد و سپس به واکنش جامعه اعم از طبقات تجاوز کسبه و روحانیت می‌پردازد که زمینه‌ساز تنش سیاسی شد. نحوه برخورد شاه با این واکنش ابتدا بسیار ساده‌لوحانه صورت گرفت ولی بعد که تمامی نیروهای جامعه باهم در الغای این قرارداد متحد شدند و شهرهای دیگر نیز اقدام به همیاری

روزنامه ایران به اطلاع مردم رساند.^{۳۰} با این وصف، بارول جولپوس رویتر توانست امتیاز جدیدی تحت عنوان (حق انحصاری بانک‌داری در تاریخ ۲۷ جمادی الاول سال ۱۳۰۶ / ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ / ۱۰ بهمن ۱۲۶۹ از دولت ایران کسب کند که شامل یک مقدمه و چهارده فصل بود. مدت این قرارداد ۶۰ سال تعیین شده بود و حق انحصاری چاپ اسکناس به او واگذار گردیده بود. تأسیس شعبات مختلف این بانک به مثابه زنجیری بود که بر پیکر نیمه‌جان اقتصاد سنتی ایران پیچیده می‌شد.^{۳۱}

از دیدگاه انگلیسی‌ها امتیاز کشتی‌رانی در کارون که همیشه مدنظر این دولت بود و از این نظر که خلیج فارس و حفظ آن سد عالی دفاع از سرزمین هند است، نفوذ نظامی و سیاسی در خلیج فارس و راه‌های منتهی به آن خصوصاً رود کارون، امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر بود. سرانجام پس از مدتی مذاکره و علی‌رغم میل روس‌ها، این فرمان توسط ناصرالدین شاه در (۲۳ صفر ۱۳۰۶ ق / ۱۳ اکتبر ۱۸۸۲ / ۸ آبان ۱۲۶۷) شد. پی‌آمد این امر، شرکت کشتیرانی برادران لینچ بود که از پیش، در دجله و فرات خطوط آبی دایر و از حمایت دولت بریتانیا برخوردار بودند. ایشان مبادرت به تأسیس خط منظم کشتیرانی بین خرمشهر تا اهواز کردند.

شرکت بانک معدنی ایران نیز یکسال پس از واگذاری امتیاز بانک به رویتر، با ژوزف رابینو رئیس کل بانک در سال ۱۳۰۷ ه. ق / ۱۸۹۰ م به استناد فصل یازدهم و نهم ضمیمه چهارم امتیازنامه مذکور، تقاضای واگذاری و بهره‌برداری کلیه معادن ایران را از دولت کرد که بلافاصله مورد قبول واقع شد. مرکز اصلی کمپانی در لندن قرار داشت و با سرمایه یک میلیون لیره متشکل از ۲۰۰ هزار سهم تشکیل شد. ۱۴ هزار سهم آن اختصاص به متقاضیان ایرانی و بقیه به شکارچیان امتیاز متشکل از سرمایه‌داران روس، انگلیس، بلژیک و .. قرار گرفت.^{۳۲} ریاست این اداره در ایران برعهده ژنرال الکساندر هوتم شیندلر بود که از مدت‌ها پیش در وزارت علوم و بخش مربوط به تلگراف و معدن ایران کار می‌کرد. کار شرکت مصادف با شورش مردم علیه کمپانی رژیم و تحریم استعمال تنباکو در ایران شد و حس تنفر و انزجار مردم نسبت به انگلیسی‌ها به اوج خود رسید، شرکت پس از ده سال تلاش، به حالت تعطیل درآمد، لیکن تا تاریخ متوقف شدن کار، توانسته بود چاه‌های نفت هوتس (در بوشهر) را خریداری کند، از طرف دیگر

امتیازی که رویترا از شاه و صدراعظم ایران کسب کرد تا آن تاریخ بی‌نظیر و به هیچ‌یک از دول بیگانه واگذار نگردیده بود. تحمیل این امتیاز برای انگلیسی‌ها در حکم اعجاز و برای حریف سیاسی آنان، روس‌ها مایه حیرت شد

انگلیس در ایران

این کمپانی با سرمایه‌های بالغ بر ۲۰۰ هزار لیبره بخش بزرگی از انحصار فرش ایران را در اختیار گرفته و امکان فعالیت را از کارگران ایرانی این صنعت سلب کرده بود.^{۳۸} (ب) شرکت هوتز و شرکاء که انحصار فرش را در دست داشت (ج) شرکت رالی و انگلاستر که به واردات منسوجات و صادرات ابریشم می‌پرداخت (د) شرکت تولید قالی‌های شرقی با مسئولیت محدود و...

نویسنده همچنین با ذکر این مطلب که از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار که «اداره واگذاری امتیاز به خارجیان» زیر نظر الکساندر هوم شیندلر انگلیسی تأمین شد، تا پایان پادشاهی مظفرالدین شاه، امتیازات متعددی پس از بررسی در این اداره به خارجیان واگذار گردید که در تمامی آن‌ها منافع دولت بیگانه مدنظر و من‌حیث‌المجموع عملکرد اداره مذکور به ضرر ملت ایران بود. از مهم‌ترین این امتیازات می‌باید از امتیاز (شرکت نفت ایران و انگلیس) که در سال (۱۳۲۷ ه. ق / ۱۹۰۹ م / ۱۲۸۸ ش) تأسیس گردید نام برد.^{۳۹} این کمپانی نزدیک به نیم قرن شاه‌رگ حیاتی اقتصادی ایران را در دست داشت و نقش مهم و عمده‌ای در پیشرفت سیاست استعماری انگلیس در ایران و سایر کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه ایفا کرد. در ادامه نیز به رقابت‌های نفتی شرکت‌ها و کمپانی‌های استخراج نفت می‌پردازد (نظیر رویال داچ شل، نفت شمال و خوش‌تاریا) وی در مورد کمپانی نفت برمه یادآور می‌شود که کمپانی نفت برمه در سال ۱۹۰۵ م / ۱۳۲۳ ه. ق / ۱۲۸۴ ش) با سرمایه‌گذاری در کمپانی دارسی موقعیت بهتری کسب کرد، چنانچه بعدها یکی از سرمایه‌گذاران اصلی شرکت نفت «انگلیس-ایران» گردید. با وجود کمپانی‌های مذکور و موضع‌گیری آنان در مقابل یکدیگر جهت کسب امتیازات نفتی، مسلماً کشور ایران و منطقه خاورمیانه برای آنان جاذبه‌ای دوگانه داشت. بدین لحاظ که هم بازار مصرف بود و هم منطقه تولید.^{۴۰}

در هر صورت، مهم‌ترین پیشرفت حاصل در صنعت نفت ایران از سال ۱۹۰۹ الی ۱۹۵۰ (۱۲۸۸-۱۳۲۹ ش) انجام گرفت و این کشور در شمار بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفتی جهان، به‌ویژه خاورمیانه قرار داشت که در این فاصله میلیاردها تومان ثروت ملی ایران به دست شرکت نفت انگلیس به یغما رفت.^{۴۱}

سرانجام پس از یک کشمکش سیاسی همه‌جانبه و حمایت مردم از دولت دکتر محمد مصدق، مجلس شورای ملی روز ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ ش برابر با ۱۵ مارس ۱۹۵۱ م کمیسیون نفت گزارشی دایر بر ملی

نمودند و نهایتاً با فتوای تاریخی میرزای شیرازی به صورت جبهه واحد درآمدند؛ شاه چاره‌ای جز لغو این قرارداد ندید و سرانجام فرمان لغو امتیاز را در تاریخ ۴ جمادی الثانی ۱۳۰۴ / ۵ ژانویه ۱۸۹۲ / ۱۶ دی ۱۲۷۰ صادر کرد.^{۳۶}

نگارنده در ادامه گفتارهای خود، اوضاع سیاسی مصر را در مقایسه با ایران در رویارویی با استعمار بررسی می‌کند و معتقد است که استعمار انگلیس با شکست مصر و داخل کردن آن کشور در دایره‌ی مستعمرات بریتانیا، نزدیک به هفتاد سال منابع مالی آن کشور را به باد غارت گرفت. استعمار انگلیس پس از تسلط بر مصر، سوای درآمد حاصل از آبراهه سوئز، هشتاد درصد اراضی مرغوب کشاورزی، به‌ویژه اراضی پنبه را به خود اختصاص داد. تا آنجا که مصر به کشور انبار پنبه انگلیس بدل گردید و محصولات پنبه آن کشور پشتوانه صنایع ریسندگی بریتانیا شد، در طول مدت اشغال مصر، کلیه تجارت پنبه اعم از داخلی و خارجی به تجار انگلیسی اختصاص داشت و بیشتر خدمات بانکی آنان صرف راه‌اندازی مزارع پنبه شد. خط‌مشی سیاسی انگلیس در مصر حفظ و تأمین تجار انگلیسی و صاحبان بانک‌های اروپا، که بیشتر آن‌ها یهودی بودند، بود به‌طوری که تشکیلات اداری مصر به سیستم اروپایی تغییر شکل یافت و بافت اداری آن انگلیسی شد. اما چه عواملی باعث شد مصر با آن همه سوابق درخشان تاریخی مغلوب قوم جزیره‌نشین دریای شمال اروپا گردد؟ درحالی که سوابق تاریخی سرزمین مصر به مراتب قدیمی‌تر از جزیره پرت انگلیس و مردم آن به مراتب متمدن‌تر از مردمان شمال اروپا بودند ولی آنچه مسلم است سوای وجود طبقه حاکم فاسد و نارضایتی‌های مردم، به‌طور کلی آغاز شکست مسلمین از ملل مغرب زمین را باید دوری جستن آنان از اصل محکم «وعتصمو بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» جستجو کرد.^{۳۷}

مؤلف کتاب در گفتار بعدی، امتیازات دیگری را بررسی می‌کند که در اختیار شرکت‌های بازرگانی انگلیس قرار می‌گیرد و به ذکر اسامی، زمان تأسیس، منطقه فعالیت و نوع بازرگانی آنان می‌پردازد. لازم به ذکر است امتیاز این شرکت‌ها علاوه بر امتیازات سیاسی - تجاری بود که در انحصار کمپانی‌ها قرار داشت. مؤلف می‌افزاید که این شرکت‌ها نقش مهمی در تخریب اقتصاد ایران داشتند. اسامی آنان به شرح زیر است: الف) زیگلرو کمپانی که مرکز آن در منچستر انگلستان بود و شعبه‌ای از آن نیز در تبریز قرار داشت و به کار واردات پنبه مشغول بود.



پی نوشت:

I Conspiracy Theor

- ۲ قادری، حاتم؛ ملاحظاتی پیرامون رژیم شاه، ایران فردا، شماره ۵، بهمن - اسفند ۱۳۷۱
- ۳ ابراهامیان، یرواند؛ به نقل از کتاب جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران؛ با گردآوری و ترجمه‌ی محمدابراهیم فتاحی، تهران مانی، ۱۳۸۶، چاپ چهاردهم.
- ۴ زیباکلام، صاقی؛ توهّم توطئه، جستجو، تهران، ۱۳۱۸، صص ۱۴-۱۳.
- ۵ رودگرکیا، ایرج؛ سیر استعمار انگلیس در ایران، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۸۷، چاپ اول.
- ۶ همان ص ۷.

- 7 Rothschild.
- 8 Merrs.
- 9 Fruhiling.
- 10 Goschen.
- 11 Oppenheim.
- 12 Bishofsyeim.
- 13 Gohschmit.
- 14 Imperial Bank of Persian.
- 15 Julius reuter.

- ۱۶ پیشین، ص ۱۰.
- ۱۷ همان، ص ۱۰.
- ۱۸ همان، ص ۱۷.
- ۱۹ همان، صص ۲۰-۱۹.
- ۲۰ همان، ص ۲۳.
- ۲۱ همان، صص ۲۹-۲۸.
- ۲۲ همان، ص ۵۰.
- ۲۳ همان، ص ۲۹.
- ۲۴ همان، ص ۲۴.
- ۲۵ همان، ص ۲۷.
- ۲۶ همان، ص ۴۰.
- ۲۷ همان، ص ۴۱.
- ۲۸ همان، ص ۴۱.
- ۲۹ همان، ص ۴۲.
- ۳۰ همان، ص ۴۳.
- ۳۱ همان، ص ۵۵.
- ۳۲ همان، ص ۵۶.
- ۳۳ همان، ص ۵۷.
- ۳۴ همان، ص ۷۱.
- ۳۵ همان، صص ۷۴-۷۱.
- ۳۶ همان، صص ۱۱۵-۷۵.
- ۳۷ همان، صص ۱۴-۱۴۶.
- ۳۸ همان، ص ۱۶۵.
- ۳۹ همان، ص ۱۷۱.
- ۴۰ همان، ص ۱۷۶.
- ۴۱ همان، ص ۱۸۳.
- ۴۲ همان، ص ۲۱۷.
- ۴۳ همان، ص ۲۲۸.
- ۴۴ همان، ص ۲۲۸.
- ۴۵ پیشین، ص ۲۳۷.
- ۴۶ همان، ص ۲۳۹.
- ۴۷ همان، ص ۲۴۰.
- ۴۸ همان، ص ۲۴۲.
- ۴۹ همان، ص ۲۴۸.
- ۵۰ همان، ص ۱۷.

کردن صنعت نفت تهیه کرد و ۲۹ اسفند همان سال از تصویب مجلس سنا گذشت. پرونده سیاه کمپانی نفت انگلیس - ایران، که نزدیک به نیم قرن در اجرای سیاست استعماری انگلیس نقش تخریبی در زمینه سیاسی و اقتصادی ایران و سایر کشورهای خاورمیانه را داشت بست.^{۳۳} یکی دیگر از ابزارهای سیاسی استعمار انگلیس در ایران به زنجیرکشیدن تدریجی کشور در قبال پرداخت قروض کمرشکن به دولت ایران بود.^{۳۴} در واقع همین سلسله وام‌ها بود که زمینه بردگی اقتصاد کشور را در مقابل بیگانگان فراهم آورد و طوق بندگی استعمار را برگردن ملت ایران انداخت.^{۳۵}

نویسنده در بخش دوم اظهار می‌دارد که انگلستان، پس از ناکامی در جهت تحت‌الحمایه کردن ایران (قرارداد تنباکو و رژی)، تلاش خود را در جهت دیگری آغاز کرد و سیاست خود را از حالت نفوذ مسالمت‌آمیز خارج و به سیاست تهاجمی گرایش داد. در واقع این نقشه با انتصاب لرد کرزون به وزارت امور خارجه انگلیس در سال ۱۹۱۹ جامه‌ی عمل پوشید و قرارداد ۱۹۱۹ بعداز یک سلسله مذاکرات و زدوبندهای سیاسی بین سر پرسی کاکس وزیرمختار بریتانیا در ایران از یک طرف و حسن وثوق‌الدوله رئیس‌الوزرا ایران به اتفاق فیروز میرزا نصرت‌الدوله وزیر خارجه از طرف دیگر در تاریخ (۱۳ ذیقعد ۱۳۳۷ ه. ق / اوت ۱۳۱۹ / مرداد ۱۲۹۸) به امضا رسید.^{۳۶} پیامد این قرارداد این بود که ایران از استقلال سیاسی نیم‌بندی هم که داشت کاملاً محروم شد و در صورت اجرای قرارداد، در جرگه‌ی کشورهای تحت‌الحمایه کامل انگلستان قرار می‌گرفت.^{۳۷} افشای قرارداد ۱۹۱۹ موج اعتراضات مردمی را علیه دولت انگلیس و مزدوران ایرانی آن در سراسر مملکت به همراه آورد.^{۳۸} در پایتخت طبقات کثیری از مردم در منزل سیدحسن مدرس و امام جمعه خوئی که سردسته مخالفین بودند گردآمدند، در تبریز نیز مخالفت به رهبری شیخ محمد خیابانی منجر به قیام علنی و گسترده علیه دولت شد، در کردستان نیز اسماعیل آقا سمیتقو با روی کارآمدن دولت دست نشانده انگلیس در ایران، با قرارداد اخیر به مخالفت برخاست^{۳۹} این درحالی بود که احمدشاه قاجار هم با اجرای این قرارداد مخالف کرد. بدین ترتیب دور دوم تهاجم انگلیس که سی سال پس از واقعه رژی پیش آمده بود، با شکست روبه‌رو شد ولیکن از تاریخ فسخ این قرارداد، سیاست استعماری آن کشور برای حفظ منافع خود به ویژه منابع عظیم نفت جنوب، بر مبنای انتخاب یک دیکتاتوری نظامی که مجری بی‌چون و چرای اهداف سیاسی آنان در ایران باشد، دور می‌زد که این امر با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش رضاخان قزاق تحقق پذیرفت.^{۴۰} علاوه بر مباحث نظری گفتارها که در مقدمه تصریح شد، به نظر می‌رسد مؤلف می‌بایست در پایان کتاب فهرست منابع و مأخذ خود و ارجاعاتی را که از آن‌ها بهره برد تحت عنوان کتاب‌شناسی در پایان کتاب قید می‌کرد از طرف دیگر نیز لازم بود در ارجاعات پاورقی سال و محل چاپ و نوبت چاپ را نیز قید می‌کرد.

* دکترین جیمز مونرو (Monroe) پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا مبنی بر حق مداخله ایالات متحده در تمام قاره امریکا و عدم مداخله کشورهای دیگر در قاره امریکاست.